



هنر خودآموختگان
هنر فطری

سیده راضیه یاسینی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



انتشارات علمی و فرهنگی

این کتاب گامی است در جهت تبیین مفهوم هنر
فطری خودآموختگان و مباحث نظری مرتبط با این
هنر، و نشان می‌دهد که هنرمندان سده بیستم
دنیای غرب چگونه با تلاش برای رجعت به اصالت
هنرهای فطری، راه نجاتی برای فرار از بن‌بست هنر در
آغاز دوران جدید می‌جستهند.

ISBN: 978-600-121-908-5



9 786001 219085

۱۴۰۰۰ ریال

سرشناسه: یاسینی، سیده راضیه، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور: هنر خودآموختگان؛ هنر فطری / نویسنده: سیده راضیه یاسینی
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: شانزده، ۲۳۱ ص: مصور (رنگی).
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۹۰۸-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۵ - ۲۳۱.
موضوع: هنر
موضوع: فطرت
موضوع: ابتدایی‌گرایی در هنر
شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۲۸۹ NV ۴۴۵
رده‌بندی دیویی: ۷۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۶۱۲۴۴

هنر خودآموختگان هنر فطری

نویسنده: سیده راضیه یاسینی
چاپ اول علمی و فرهنگی: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
حروفچینی: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



انتشارات
علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه
کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی:
۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

آدرس اینترنتی: www.elmifaranghi.ir info@elmifaranghi.ir

www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛
تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه
محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱
فروشگاه چهار (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات): پایین‌تر از میدان ولیعصر، خیابان دمشق، شماره ۹،
پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	سیزده
فصل اول: کلیات.....	۱
مقدمه.....	۱
رویکرد جهانی به موضوع هنر خودآموختگان.....	۳
هنر خودآموخته و اهمیت آن.....	۵
رویکردهای نظری در عرصه هنر خودآموخته.....	۷
تبیین مفاهیم اساسی.....	۹
فطرت.....	۹
هنر.....	۱۰
روش هنری.....	۱۰
تخیل.....	۱۱
هنر بومی.....	۱۱
مدرنیسم.....	۱۲
هنر خام.....	۱۲
هنر فطری.....	۱۲
خودآموخته.....	۱۳

پیشینه مطالعات در زمینه هنر خودآموخته	۱۳
هنر نائیو (۲۰۱۱)	۱۳
هنر اوتسایدر (۲۰۰۰)	۱۴
کتاب مرجع هنر اوتسایدر (۲۰۰۹)	۱۴
بدوی‌گرایی در هنر مدرن	۱۵
داستان هنر مدرن (۱۳۸۶)	۱۶
تاریخ هنر مدرن (۱۳۸۵)	۱۶
سی و دو هزار سال تاریخ هنر (۱۳۸۲)	۱۶
تاریخ هنر جنسن (۱۳۸۸)	۱۷
وجه تمایز اثر پیش رو از مطالعات پیشین	۱۸

فصل دوم: تبیین مفهوم هنر فطری

مقدمه	۲۱
هنر	۲۲
۱. تعریف عام از هنر	۲۲
۲. تعریف خاص از هنر	۲۳
۳. تعاریف رویکردی درباره هنر	۲۶
فطرت	۲۶
فطرت از منظر فلسفه غرب	۲۷
فطرت از منظر قرآن و فلسفه اسلامی	۳۰
فطریات انسانی	۳۳
مقام هنر در فطریات انسانی	۳۴
چیستی هنر فطری	۳۹
مشترکات آثار هنرهای خودآموخته	۴۲
نتیجه‌گیری	۴۵

فصل سوم: جایگاه هنرهای خودآموخته در هنرهای تجسمی

مقدمه	۴۷
۱. تاریخچه هنرهای خودآموخته	۴۹

۴۹	الف) هنرهای خودآموخته در تاریخ غیرمکتوب.....
۴۹	۱. هنر ابتدایی.....
۵۳	۲. هنر بومی.....
۵۴	۱-۲. هنر سرخ‌پوستان امریکای شمالی.....
۵۶	۲-۲. هنر سیاه‌پوستان افریقایی.....
۵۷	۳-۲. هنر اسکیموها.....
۵۸	ب) هنرهای خودآموخته در تاریخ مکتوب.....
۵۸	۱. هنر خام و هنر کودک.....
۶۲	۲. هنر خودآموختگان.....
۶۳	۲. رویکردها به هنرهای خودآموخته در آثار هنری اوایل سده بیستم.....
۶۳	۱-۲. مواجهه جریان‌های هنری با هنرهای خودآموخته.....
۶۶	پست امپرسیونیسم.....
۶۶	سمبولیسم.....
۶۷	جنبش هنر نو.....
۶۸	۲-۲. هنرمندان اوایل سده بیستم متأثر از هنرهای شرقی و بومی.....
۷۶	۲-۳. هنرمندان اوایل سده بیستم متأثر از هنر کودک.....
۸۱	۲-۴. پیکره‌سازان متأثر از هنرهای خودآموخته.....
۸۲	۳. تحلیل رویکردهای مختلف هنرمندان مدرن به هنرهای خودآموخته.....
۸۷	نتیجه‌گیری.....
۸۹	فصل چهارم: هنرمندان خودآموخته جهان؛ معرفی و تحلیل آثار.
۸۹	مقدمه.....
۹۱	هنرمندان خودآموخته؛ سده هجده تا دوران معاصر.....
۹۱	۱. هانری روسو (۱۸۴۴-۱۹۱۰).....
۹۱	۱-۱. معرفی هنرمند.....
۹۴	۱-۲. تحلیل آثار.....
۹۷	۲. جوزف پیکت (۱۸۴۸-۱۹۱۸).....
۹۷	۱-۲. معرفی هنرمند.....
۱۰۱	۲-۲. تحلیل آثار.....

۳. آنا ماری روبرتسون موزز (۱۸۶۰ - ۱۹۶۱)..... ۱۰۵
- ۱-۳. معرفی هنرمند..... ۱۰۵
- ۲-۳. تحلیل آثار..... ۱۰۸
۴. سرافین لوئیز (۱۸۶۴-۱۹۳۴)..... ۱۱۴
- ۱-۴. معرفی هنرمند..... ۱۱۴
- ۲-۴. تحلیل آثار..... ۱۱۶
۵. نیکیفور (۱۸۹۵-۱۹۶۸)..... ۱۱۸
- ۱-۵. معرفی هنرمند..... ۱۱۸
- ۲-۵. تحلیل آثار..... ۱۲۰
۶. آنتونیو لی گابونه (۱۸۹۹ - ۱۹۶۵)..... ۱۲۴
- ۱-۶. معرفی هنرمند..... ۱۲۴
- ۲-۶. تحلیل آثار..... ۱۲۶
۷. جیمز فاردولیس (۱۹۰۰-۱۹۷۵)..... ۱۲۸
- ۱-۷. معرفی هنرمند..... ۱۲۸
- ۲-۷. تحلیل آثار..... ۱۳۱
۸. ایوان رابوزین (۱۹۲۱ - ۲۰۰۸)..... ۱۳۴
- ۱-۸. معرفی هنرمند..... ۱۳۴
- ۲-۸. تحلیل آثار..... ۱۳۶
۹. شعیبیه طلال (۱۹۲۹-۲۰۰۴)..... ۱۳۸
- ۱-۹. معرفی هنرمند..... ۱۳۸
- ۲-۹. معرفی آثار..... ۱۴۱
۱۰. گویدو ودوویتو (۱۹۶۱)..... ۱۴۳
- ۱-۱۰. معرفی هنرمند..... ۱۴۳
- ۲-۱۰. تحلیل آثار..... ۱۴۴
- دیگر هنرمندان خودآموخته..... ۱۴۶
- لوئی ویوین (۱۸۶۱-۱۹۳۶)..... ۱۴۷
- آندره بوشان (۱۸۷۳-۱۹۵۸)..... ۱۴۷
- کامیل بومبویس (۱۸۸۳-۱۹۶۶)..... ۱۴۸
- سیمون شووارترنبرگ (۱۸۹۵-۱۹۹۰)..... ۱۴۹

۱۵۰	جرماین وندراستین (۱۸۹۷-۱۹۸۵).....
۱۵۰	انریکو بناسی (۱۹۰۲-۱۹۷۸).....
۱۵۱	پیتر و گیزاردی (۱۹۰۶-۱۹۸۶).....
۱۵۲	سوفیا نالتیلیچ پناوشا (۱۹۱۳-۱۹۹۴).....
۱۵۲	پاول لئونو (۱۹۰۲-۲۰۱۱).....
۱۵۳	نتیجه‌گیری.....
۱۵۴	زمان و مکان.....
۱۵۴	واقعیت بیرونی.....
۱۵۴	کیفیت عاطفی.....
۱۵۵	مضمون.....
۱۶۱	فصل پنجم: موزه‌های هنر خودآموخته
۱۶۱	مقدمه.....
۱۶۳	موزه هنرهای خودآموخته کرواسی، زاگرب.....
۱۶۵	موزه هنرهای خودآموخته کرواسی.....
۱۶۵	آثار گنجینه موزه.....
۱۶۸	هنرمندان صاحب اثر در گنجینه موزه.....
۱۶۹	زمینه‌های فعالیت موزه.....
۱۷۰	نمایشگاه‌های موزه.....
۱۷۰	بخش فروشگاهی موزه.....
۱۷۱	موزه هنر خودانگیخته بروکسل، بلژیک.....
۱۷۳	مجموعه دائمی موزه.....
۱۷۶	موزه بین‌المللی هنرهای خودآموخته برزیل.....
۱۸۰	امکانات موزه.....
۱۸۰	۱. بهره‌مندی از فناوری دیجیتال.....
۱۸۱	۲. نمایشگاه‌های سیار.....
۱۸۱	۳. برپایی نمایشگاه اصلی «میان»، در کنار جست‌وجوی زمینه‌های جدید.....
۱۸۱	۴. اجاره فضاهای موجود در مکان موزه.....
۱۸۱	۵. نحوه بازدید از موزه توسط مدارس.....

- ۱۸۲..... بازدید از موزه توسط والدین و نوزادان
- ۱۸۴..... آثار شاخص موزه.....
- ۱۸۶..... موزه بین‌المللی هنرهای خودآموخته شارلوت زاندر (آلمان).....
- ۱۸۷..... آثار هنری موزه.....
- ۱۸۸..... فضا و نشریات موزه.....
- ۱۸۸..... برنامه بازدید از موزه.....
- ۱۸۹..... موزه هنر خودآموخته روسیه.....
- ۱۹۰..... برگزاری جشنواره بین‌المللی هنر خودآموخته و هنر اوتسایدر.....
- ۱۹۱..... همایش علمی جشنواره.....
- ۱۹۱..... برنامه جنبی موزه در فضای باز.....
- ۱۹۱..... - غرفه کُنکا.....
- ۱۹۲..... برگزاری نمایشگاه انفرادی با نورپردازی شبانه.....
- ۱۹۳..... - سکوی سالن هنر.....
- ۱۹۳..... - مخروط‌ها، شیء هنری.....
- ۱۹۳..... موزه بین‌المللی هنر خودآموخته مگوگ، کانادا.....
- ۱۹۳..... تاریخچه موزه.....
- ۱۹۶..... برنامه‌های نمایشگاهی و آموزشی موزه.....
- ۱۹۶..... مأموریت موزه.....
- ۱۹۷..... گنجینه موزه.....
- ۱۹۷..... - هنر خودآموخته کبک.....
- ۱۹۸..... - هنر خودآموخته بین‌المللی.....
- ۱۹۸..... - مکزیک، هنر مردمی و هنر مردمان بومی امریکا.....
- ۱۹۹..... - روسیه، هنر و شمایل‌های مردمی.....
- ۲۰۰..... برنامه‌های آموزشی موزه.....
- ۲۰۰..... بازدید خانگی از مدارس.....
- ۲۰۰..... بهای پرداختی.....
- ۲۰۱..... مسابقه طراحی.....
- ۲۰۲..... کارگاه‌ها.....
- ۲۰۲..... روز کافه‌بازدید.....

- نمایش آثار هنرمندان خودآموخته معاصر در موزه..... ۲۰۲
- موزه هنرهای خودآموخته لتونی..... ۲۰۳

فصل ششم: نتایج و پیشنهادها..... ۲۰۷

مقدمه..... ۲۰۷

نتایج..... ۲۰۹

۱) چیستی هنر خودآموخته..... ۲۰۹

۲) ویژگی‌های هنرهای خودآموخته..... ۲۱۰

۲ - ۱. کیفیت زمانی و مکانی..... ۲۱۱

۲ - ۲. میزان اصالت واقعیت بیرونی و پابندی به آن..... ۲۱۲

۲ - ۳. برجستگی کیفیت عاطفی..... ۲۱۲

۲ - ۴. انتخاب مضامین..... ۲۱۲

۲ - ۵. صراحت بیان در ظاهر و باطن اثر هنری..... ۲۱۲

۳) سیر تاریخی هنر خودآموخته..... ۲۱۳

۴) تأثیر هنر خودآموخته بر جریان‌های تاریخ هنر..... ۲۱۴

۵) جایگاه هنر خودآموخته در جهان و چگونگی مواجهه کشورها با آن

در دوران معاصر..... ۲۱۶

۶) نقش اقبال به هنر خودآموخته بر آحاد انسانی و جوامع بشری..... ۲۱۸

پیشنهادها..... ۲۱۹

۱. تبیین هنر خودآموخته در مراکز رسمی هنر به عنوان یکی از گونه‌های

به رسمیت شناخته شده در عرصه جهانی..... ۲۱۹

۲. تأسیس انجمن‌ها و مراکز هنری تخصصی هنر خودآموخته..... ۲۲۰

۳. پایه‌ریزی تأسیس موزه هنر خودآموخته..... ۲۲۱

کلام آخر..... ۲۲۱

کتابنامه..... ۲۲۵



پیشگفتار

از سالیان میانی سده نوزده میلادی به این سو و بسط و توسعه هنر در عرصه جهان معاصر، تعاریف پیشین و رسمی معمول از هنرها به چالشی جدی کشیده شد. در فرایند جهانی شدن که فرهنگ‌های اقوام و ملل مختلف را به شاکله‌ای واحد فرامی‌خواند، بازنگری مبدأ و منشأ نخستین در عرصه هنر نیز موضوعیت می‌یابد.

استیلاي قدرت‌های جهانی در عرصه‌های مختلف از جمله عرصه‌های فرهنگی و هنری، به بروز کشاکش جدی میان هویت خودی و هویت غیرخودی ملت‌های جهان تبدیل شده و این امر خود مزید لزوم رجعت به هنرهای ناب در میان همه جوامع انسانی است.

تبیین و تعریف هنر خودآموخته، از آن رو اهمیت دارد که مبنای فراخی برای استخراج اصول هنرهای اصیل را، صرف‌نظر از خصایص جغرافیایی، فرهنگی و ... فراهم می‌آورد و در کشاکش تنازعات فرهنگی و انواع گونه‌های هنری برخاسته از تلقی‌ات متفاوت انسانی از امر فرهنگ و هنر، امکان بازتعریف جلوه‌های هنری را بر مبنای فطرت واحد بشری ممکن می‌سازد.

تاریخ تحول هنر در جهان و به غایت رسیدن تمام تجربیات بشر در عرصه فنون هنری، به استیصال وی در نتیجه تکرار صورت‌های هنری خالی از حقیقت، به ویژه در سده بیستم انجامید که سرانجام، بشر را به اصالت امر

هنر در معنای عام آن که کسب فضایل انسانی در اتحاد با فطرت خویش بود، راهبر شد. این رویکرد البته در بعضی از هنرمندان به وجود آمد و اگرچه در برخی موارد با نیت نوآورانه بودن سبک شخصی آنها انجام شد؛ اما نگاه‌های جدی‌تری را نیز به حقیقت هنرهای هنرمندان خودآموخته پیشین که به هنر همچون بخشی از وجود و زندگی خود می‌نگریستند، به همراه داشت. هنرمند سده بیستم، برای تجدید نظر در روندی که هنر غرب در طول قرن‌ها پیموده بود، بر گذشته نظر کرد و به هنرهایی فطری که بر آنها عنوان هنر انسان‌های نخستین، هنر بدوی، هنرهای عامیانه و ... گذاشته بود، پناه برد. وی به درستی دریافته بود که هنرهایی چون هنر مشرق زمین یا هنر اقوام بدوی نیز، از آنجا که در پیوند بیشتری با اصالت ناب و فطری هنری باقی مانده، می‌تواند مستمسک نجات از بحرانی باشد که وی بدان گرفتار آمده بود. در این میان اما هنر کودک و هنر دیوانگان نیز مغفول نماند تا نخستین گام‌ها برای توجه دوچندان به اصل بی‌پیرایگی و خلوص در مسیر هنر برداشته شود.

هنر هنرمندان خودآموخته یا هنر فطری، امروزه از مصادیق کمیاب هنری است که از عوارض تعاریف انسانی بر هنر مصون مانده و به دلیل بکر و خالص بودن، آینه شفاف‌تری از ویژگی‌ها و خواطر دست‌نخورده بشری را جلوه‌گر می‌سازد.

از سوی دیگر، شناخت جلوه‌های فطری در عرصه هنرها، در احیا و تبیین هنر معاصر هر سرزمین و متناسب با خصایص منحصر به فرد هر کدام سهم بسزایی دارد.

بسیاری از عرصه‌های هنری در سراسر جهان، گرچه از اصول معرفتی ناب خود سرشارند، اما در پس مواجهه نابرابر با هنری که استیلای جهانی یافته، به مرز انفعال کشانیده شده و همچنان نیازمند رجوع به حقیقت خود و کاربست آن در صورتی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای معرفتی خود است. به این ترتیب، جست‌وجوی مبادی بصری متجلی در هنر هنرمندان خودآموخته که فارغ از مناسبات جهانی انسان‌ها با یکدیگر است، از ضروریات رجعت به هویت هنری انسان‌ها در عصر حاضر قلمداد می‌شود.

با شناخت آثار هنری هنرمندان خودآموخته که برآمده از سرشتی ناب

است، می‌توان زمینه‌های ظهور هنری را فراهم آورد که در انطباق با مطالبات فطری آحاد انسانی از هنر است. چنین فرایندی، نه تنها هویت منسوخ ملل در باب هنر ملی را بازمی‌یابد، بلکه در عین حال هنر را از قالب از پیش تعریف شده و انحصاری خود که محدود به آکادمی‌ها و مراکز دانشگاهی هنری است نیز خارج ساخته و در اتحادی دوباره با زندگی بشر قرار می‌دهد.

نگارنده در این کتاب، نخست به تدقیق در باب معنی هنر و فطرت می‌پردازد تا دلیل اطلاق عنوان «هنر فطری» به هنر خودآموختگان را تبیین نماید. سپس مطالعه در بستر هنر فطری از آغاز تاریخ بشر را دنبال می‌کند تا نشان دهد که این هنرها به لطف برخورداری از منشأ فطری‌شان، تنها هنرهایی هستند که در فراز و نشیب حوادث و اندیشه‌های تاریخی، علی‌رغم برخورداری از شیوه‌های بسیار متنوعی که منحصر به تک‌تک هنرمندان آن است، از اصول هنری خود، عدول نکرده و ثابت‌قدم مانده‌اند؛ اصولی که در نظری جامع به آثار هنرهای فطری در سراسر جهان، قابل احصاء و تبیین است.

شناخت اصول و مبانی هنر فطری که نه بر مبنای تعاریف مراکز رسمی هنر، بلکه با تحلیل و بررسی مصادیق این آثار هنری حاصل می‌شود، مؤلف را بر آن داشت تا از میان آثار هنرمندان خودآموخته سراسر جهان، نمونه‌هایی را توصیف و تحلیل کند تا وجوه اشتراک و افتراق آن را دریابد و در نتیجه بتواند موفق به تعریف عناوینی چند از اصول بنیادی مشترک این آثار شود. بدیهی است که این گام نخست، مجال فراخ‌تری را می‌طلبد تا با تحقیقی جامع، دامنه بررسی آثار از وجوه مختلف گسترش یابد و ژرفای این هنر اصیل مورد کنکاش قرار گیرد.

نگاه مختصر این کتاب بر مراکز فعال جهانی همچون موزه‌های تخصصی در عرصه هنر خودآموخته نیز، تلاش دیگری برای دریافت میزان اهمیت جوامع بشری به این هنر در سطح جهان است.

جایگاه هنر معاصر در ایران نیز خارج از قاعده جهانی نیست و احیای هویت ایرانی متناسب با فرهنگ اسلامی ایران، اکنون به یکی از دغدغه‌های جدی تبدیل شده که تتبع در چیستی هنر خودآموخته و نتایج حاصل از آن می‌تواند در این زمینه، راهگشا گردد. حصول معرفت به هنرهای برخاسته

از فطرت، نه تنها موجبات شناخت متقن و اصولی هنرهای اصیل ایران را در گرماگرم کارزار مواجهه با هنرهای بیگانه فراهم می‌آورد، بلکه با احیای دوباره این هنرها، می‌توان ممیزات هنر معاصر ایران را نیز متناسب با شرایط دوره معاصر، تعریف نمود و به کار بست.

فصل اول

کلیات

مقدمه

«هنر» مقوله‌ای مقارن با حیات بشری است. از زمانی که انسان خود را بازشناخت و به تأمل در جهان درون و بیرون خود پرداخت، به طور فطری و بر مبنای هدایتگر درونی خود به ایجاد آثاری همت گماشت که آینهٔ احوال درونی‌اش بودند. اندیشمندان و مورخان، هزاران سال پس از نخستین انسان‌هایی که این آثار را به وجود آوردند، در این باره قضاوت کردند و بر آنها نام «اثر هنری» نهادند؛ هنری که بعضاً با معیارهای نوینی بررسی یا ارزیابی می‌شد. اینکه این آثار از منظر پدیدآورندگان آنها، چگونه تلقی می‌شدند هنوز روشن نیست اما کارکردهایی بر آنها متصور است که چه منشأ آنها را به سوی نیازهای غریزی یا زیست‌بومی آنها رجوع دهد و چه آنها را تلاشی برای دستیابی به نیروهای فراطبیعی بدانند؛ در هر حال نشئت گرفته از فطرت انسانی تلقی می‌شود که از این باب، با تعبیر از اثر هنری به مفهوم رایج آن که ابداع اثری «زیبا» است، متفاوت است. این آثار، مبین تلاش و کوششی است که نشان می‌دهد بشر نیازمند به ظهور رساندن مشاهداتی از عوالم درونی خود و تصوراتی از عالم خیالاتش در مورد پدیده‌هاست؛ تلاش

و کوششی که در سیر تاریخ بشر هرگز متوقف نشد و به تناسب ادواری که بر انسان گذشت، جلوه‌های گوناگونی یافت.

تاریخ‌نویسی بر آثار هنری مربوط به ۴۰ یا ۵۰ هزار سال پیش تا کنون نشان می‌دهد که چگونه تفکر بشری دربارهٔ عالم و آدم، در آثار هنری وی تأثیرگذار بوده و جریان‌های هنری کاملاً متفاوت یا حتی متعارض با یکدیگر را رقم زده است. سبک‌های گوناگون و مکاتب متعدد هنری در جوامع مختلف، نشانگر تأثیرگذاری قطعی مبانی فکری انسان‌ها در مآثر هنری‌شان است.

این کتاب می‌کوشد به تبیین گونه‌ای از هنر بپردازد که در گیرودار جریان‌های تاریخی و تحولات هنری از ابتدای تاریخ تا کنون، کمترین تأثیر را پذیرفته و بیشترین ممیزات ثابت بصری را برای خود محفوظ نگاه داشته است؛ «هنر خودآموخته» که بسستر ظهور خود را به شیوه‌های متفاوت در میان انسان‌های متفاوت پیدا می‌کند و از این‌رو هنری منحصر به فرد تلقی می‌شود؛ هنر انسان‌هایی که گرچه هرگز در معرض آموزش‌های رایج و شناخته شدهٔ هنری قرار نگرفته‌اند، اما آثاری را به وجود می‌آورند که به دلیل اصالت هنری‌شان، شگفت‌آور، تحسین‌برانگیز و بی‌بدیل انگاشته می‌شوند.

آثار هنرهای فطری، از آن‌رو که صاحبانشان به طرزی کاملاً خودانگیخته و در ضمن جریان عادی زندگی خود به ایجاد آنها دست می‌زنند و دلیلی برای عرضهٔ‌شان بر مخاطبی نمی‌بینند، معمولاً ناشناخته‌اند. گاهی نیز این هنرمندان فطری، توسط هنرشناسان کشف و به جامعهٔ هنری معرفی می‌شوند. در تاریخ پس از سدهٔ هجدهم تا کنون، برخی از این هنرمندان شناخته شدند و از آنها اطلاعاتی برجای ماند. در تاریخ هنر پس از گذر از دوران مدرن و شناخت ارزش‌های ناب و اصیل هنری موجود در آثار هنرهای خودآموخته، امروزه این هنر جایگاه ویژه‌ای یافته به نحوی که در بعضی کشورها موزه‌های اختصاصی برای حفظ یا نمایش این‌گونه آثار نیز تدارک دیده شده است.

در این کتاب تلاش می‌شود ضمن تبیین این گونهٔ هنری و ذکر تاریخچهٔ آن، برخی هنرمندان شناخته شدهٔ خودآموخته در جهان و نیز موزه‌های مهم اختصاص یافته به این هنر، معرفی شوند. تحلیل آثار هنرمندان

خودآموخته می‌تواند به شناخت بیشتر این نوع هنر مدد رساند و معرفی موزه‌های هنرهای خودآموخته نیز، راهگشای بسط فعالیت‌های هنری اصیل و سیاستگذاری سودمند آینده در ایران دربارهٔ این هنرها خواهد شد.

رویکرد جهانی به موضوع هنر خودآموختگان

جایگاه هنر در جوامع متمدن، جایگاهی تعیین‌کننده است و تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی و رشد و پیشرفت آنها داشته است. با گذری بر تاریخ می‌توان مشاهده کرد که ارتقاء جایگاه هنر و هنرمندان در هر جامعه، به رشد فرهنگی آن جامعه منجر شده است.

در این مسیر، دریافت و شناخت صحیح از هنر و انواع آن، به مثابه نخستین گام‌های توسعهٔ فرهنگی و هنری هر جامعه است. شناخت هنری که متناسب با فطرت انسانی، بتواند به بالندگی روح و اندیشهٔ انسان مدد رساند و او را به عالمی متناسب با فطرت پاک او دعوت کند، از ملزومات تحقق هنرهای اصیل ایرانی است.

سیر تاریخ هنر غرب نشان می‌دهد که گرچه وضع قوانین و اصولی که به عنوان قواعد حاکم بر آثار هنری شناخته می‌شود لازمهٔ ارتقای کیفی برخی وجوه از هنرهاست، اما چنانچه این اصول و قوانین، اصل هنر و اصالت آن را مخدوش کند، با ذات هنر که محاکات از امر ملکوتی است و نشان از مشاهدات درونی و قلبی برآمده از فطرت هنرمند دارد، در تعارض قرار می‌گیرد. این واقعیت بر بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران غربی نیز آشکار شد و آنان را بر آن داشت تا با تجدید نظر در پیشینهٔ اصول نظری مربوط به هنر خود و معیارهای زیباشناسانهٔ حاکم بر آن، در پی چاره‌اندیشی برای ظهور امر «هنر» در جلوهٔ حقیقی‌تری برآیند، شاید که در طریقی نوین، بتوانند هنر را در مسیر راستین خود قرار دهند. به این ترتیب از حدود یک قرن پیش، اعتراضاتی در خصوص تلقی موجود از هنر و آثاری که حاصل این نگرش بود جوامع غربی را فراگرفت و پژوهشگران و هنرمندان غربی را بر آن داشت تا در جست‌وجوی راهی برای رجعتی به طریق صواب هنر برآیند و سعی کنند تا با الهام از هنرهایی که همچنان در آمیختگی با فطرت ناب انسانی قرار داشت، مسیر حقیقی هنر اصیل را باز یابند. در نتیجه، حاصل

تلاش این هنرمندان، منجر به رویکردهایی نوین به هنرهای فطری همچون «هنرهای پیش از تاریخ یا پرمیتئو»، «هنر کودک»، «هنر شرق» و «هنرهای خودآموخته» بود.

این هنرهای هرچند ساده، واجد اصالت‌های ناب هنری بودند که گمگشته هنرمند بحران‌زده دوران مدرن بود. برای نمونه، هنر انسان‌های نخستین، هنرهای برآمده از پیچیدگی‌های درونی بسیار و جلوه‌یافته در صورتی ساده و بی‌آلایش است. از منظر مورخان هنر، همچون ای. اچ. گامبریج؛ نویسنده کتاب *داستان هنر*؛ «علت نامگذاری هنرهای پیش از تاریخ یا هنرهای پرمیتئو به هنر انسان‌های نخستین، آن نیست که آنها ساده‌تر از انسان‌های معاصر هستند چرا که جریان‌های فکری آنها بسیار بغرنج‌تر از ما بوده است؛ بلکه علت آن است که آنها به آن وضع و حالتی که نوع بشر در آن ظهور کرده، نزدیک‌ترند» (Gombrich, 1966:75). انسان نخستین، نقاشی‌هایی از خود باقی گذاشته است که تقریباً مربوط به سی یا چهل هزار سال پیش می‌شوند. این نقاشی‌ها گاه جنبه مذهبی و آیینی نیز به خود می‌گرفتند. محیط ناشناخته اطراف انسان آن روزگار و سؤال‌های متعدد وی از کم و کیف تغییرات طبیعت، فضایی رمزآلود و اسرارآمیز را برای وی پدید می‌آورد و در نتیجه، او پاسخ بسیاری از معماهای خویش را در امور ماورایی و مذهبی جست‌وجو می‌کرد. نقاشی‌های «پرمیتئو» یا «اولیه» با سادگی شکل‌ها، تخت بودن تصاویر و فقدان سایه - روشن یا بُعد سوم و استفاده از رنگ‌های اصلی، شناخته می‌شود. داندیس در کتاب «مبادی سواد بصری» از این هنر به عنوان هنری ناب و قابل تأمل یاد کرده که پس از گذشت قرن‌ها همچنان از قدرت نفوذ در ذهن مخاطبش برخوردار است؛ «با هرگونه معیار هنری که این نقاشی‌ها را بسنجیم، می‌بینیم از زیبایی و کمال فوق‌العاده‌ای برخوردارند». (داندیس، ۱۳۸۷: ۱۸۳) سادگی، پرتحرک بودن، رنگ‌های درخشان، خطوط کمانی و کمپوزسیون‌های دقیق، از فنون سبک نقاشی‌های نخستین است که در اندیشه جست‌وجوگر انسان‌های اولیه پرورش یافت و میراث ماندگار بشر معاصر گشت.

تاریخ هنر غرب، برای جست‌وجوی معنای ناب در آثار نقاشی، در یک رویکرد خود به بدوی‌گرایی اقبال نمود. بدوی‌گرایی به جنبشی در عرصه

هنرهای غربی دوران مدرن — اوایل سده بیستم — اطلاق می‌شود که در آن، فرم‌های دیداری از مردمان غیرغربی یا پیش از تاریخ اخذ می‌شود و در صورتی ترکیبی و یا نوین به کار می‌رود. این جنبش سبب تحولات بسیاری در عرصه هنر مدرن شد، گرچه به طور مستقل و در یک مکتب مشخص انسجام نیافت. بسیاری از هنرمندان دوران مدرن اروپا، برای کشف و اخذ اصالت‌های ناب هنری، در پی جست‌وجوی آثار هنری بومی و قبیله‌ای برآمدند. در این مسیر آنها به مطالعه مجموعه‌های قوم‌نگارانه موزه‌های بزرگی پرداختند که آثار هنری بومی به تاراج رفته از کشورهای استعمار شده را در خود جای داده بود.

هنر بدوی را در برخی ویژگی‌ها می‌توان مشابه هنرهای خودآموختگان دانست. هنر خودآموخته، هنری است که توسط هنرمندانی که تحت تعلیمات هنری قرار نگرفته‌اند به ظهور می‌رسد. این گونه هنری توسط بزرگسالانی شکل می‌گیرد که بی‌واسطه و بدون الگوپذیری از یک شیوه معمول هنری و قواعد مرسوم آن، آثاری را ایجاد می‌کنند که مظهري از بروز و ظهور الهامات هنری بر فطرت ناب انسان‌هاست. سادگی، بی‌پیرایگی و صراحت بیان را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های این گونه هنری دانست.

شناخت این هنر می‌تواند افق تازه‌ای را بر جایگاه هنر در میان جوامع بگشاید. به این ترتیب هنر، به جایگاه حقیقی خود نزدیک‌تر می‌شود و در اتحادی دوباره با زندگی بشر قرار می‌گیرد؛ این هنر نیاز به آموزش‌دهی ندارد و به طور زاینده‌ای از درون افراد تراوش می‌کند و ظهور آثار آن به گفتمان جدیدی در جامعه می‌انجامد که نه تنها سبب تعالی روح و جان پدیدآورنده آن می‌شود، بلکه تلقی از اثر هنری در جامعه را از صورت کالایی تجملی خارج نموده و به یکی از مظاهر زندگی مانوس با فطرت بشر نزدیک می‌سازد.

هنر خودآموخته و اهمیت آن

شناخت هنرهای خودآموخته در جامعه معاصر ایران، افقی تازه برای شناخت مبانی هنرهای اصیل ایرانی نیز هست. هنرهای ایرانی پیش از آنکه در مواجهه با هنر غرب قرار گیرند، هنرهایی اصیل، پاک و برآمده از فطرت نابی بوده‌اند که با بهره‌مندی از علوم هنری به بیانی شیوا، بلیغ و رسا از عالم

مشاهدات درونی هنرمند حکایت داشته‌اند؛ مشاهداتی که حاصل سرشت ناب هنرمندان و انس و الفتشان با زندگی مؤمنانه ایشان بوده است. شناخت هنر فطری که می‌تواند زمینه بازگشت به هنر بر مبنای فطرت را بازتعریف کند، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ به ویژه که عالم بحران‌زده امروز، نیاز بشر را به تمامی مآثری که وی را به اصل خویش فراخواند دوچندان کرده است.

با تأملی در مسیر تاریخ تحول هنرهای جهان، می‌توان دریافت که هنرمند مستأصل از تکرار صورت‌های هنری خالی از حقیقت در سده بیستم، به هنرهای فطری، عامیانه و بومی رجوع کرده و راه نجات خود را در درک حقیقت پنهان در آنها جستجو کرده است. نقاشی مشرق زمین، به ویژه نقاشی ایرانی، گرچه از مبادی و اصول معرفتی ناب خود سرشار است، اما در پس مواجهه نابرابر با هنر غرب که سبب انفعال آن به ویژه در دوران معاصر گردید، همچنان نیازمند رجوع به حقیقت خود و کاربست آن در صورتی متناسب با ویژگی و نیازهای معرفتی انسان امروز است. بنابراین، معرفت به مبادی بصری متجلی در هر گونه هنری، از ضروریات شناخت متقن هنر نقاشی جهان در عصر حاضر و در پی آن، رجعت به هنر نقاشی اصیل ایرانی قلمداد می‌شود. شناخت و استخراج این مبادی از میان جلوه‌های بکر و اصیل هنری، می‌تواند ما را به تدوین مبانی نظری نقاشی ایران معاصر نیز رهنمون گردد. امروزه هنر معاصر ایران در کشاکش یافتن هویت خود است و این امر لزوم رجعت به هنرهای ناب، چون هنر فطری را دوچندان می‌سازد.

شناخت هنر خودآموخته به دلیل بکر بودن و خالص بودن آن، سهم بسزایی در توسعه هنرهای اصیل هر کشوری داشته و دارد که مبنای آن شناخت آثار هنری و هنرمندان خودآموخته است. با حمایت و معرفی این هنرمندان و آثار ایشان که برآمده از سرشتی ناب است، می‌توان زمینه‌های بروز و ظهور چنین آثاری را میان دیگر آحاد جامعه نیز فراهم آورد و تصویری دگرگون از هنر را ارائه نمود که مبتنی بر توانمندی‌ها و مطالبات فطری همه انسان‌ها از هنر است. در نتیجه این امر، هنر و به ویژه نقاشی از قالب از پیش تعریف شده و منحصر به طیف خاصی از افراد اجتماع خارج شده و در انس مجدد با علاقه‌مندان به آن قرار می‌گیرد.

در تبیین مفهوم هنر خودآموخته، نخست ضروری است به پرسش‌هایی پاسخ داده شود. پاسخ به این پرسش‌ها کمک می‌کند تا دریابیم که مراد از «هنر خودآموخته» که از آن به «هنر نائیو»^۱ یاد می‌شود چیست و چه ویژگی‌هایی این هنر را از دیگر هنرها متمایز می‌سازد. همچنین شناخت میزان تأثیرگذاری این هنر بر جریان‌های تاریخی هنر نیز بسیار مهم است تا از خلال آن بتوان به نحوه مواجهه جریان‌های هنری گذشته و حال، با این گونه هنری پی برد. از سوی دیگر باید دانست که تأثیر پرداختن به این نوع از هنر بر آحاد انسانی و جوامع چیست و چه تأثیری بر بازیابی هویت فردی و جمعی انسان‌های جوامع گوناگون دارد. برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها نیز تنویر برخی مباحث ضروری است از جمله گذری بر تاریخچه هنر نائیو و جایگاه آن در جهان و نیز هنرمندان آن.

رویکردهای نظری در عرصه هنر خودآموخته

اندیشمندانی که در زمینه هنرهای خودآموخته قلم زده و آراء خود را بیان داشته‌اند، غالباً مورخانی بوده‌اند که به این نوع هنرها به عنوان پدیده‌هایی منحصر به فرد و استثنایی نگریسته و آنها را به طور مصداقی تحلیل نموده‌اند. به عبارتی، بیش از اینکه ذات، اصول و ویژگی‌های آثار هنرهای خودآموخته، مورد نظر ایشان قرار گیرد، تحلیل هنرمند و هنر او با ویژگی‌های شخصی وی مد نظر قرار گرفته است.

باید اشاره نمود که یکی از دلایل این امر، آن است که چون هنرهای فطری از سبک یا قاعده هنری بیرونی تبعیت نمی‌کنند، از یک سو ذاتاً منحصر به فرد تلقی می‌شوند و از سوی دیگر، به دلیل اشتراک آحاد انسانی در فطرت یگانه‌ای که بر آن آفریده شده‌اند، از بنیاد و سرچشمه‌ای مشترک برخوردارند.

این کتاب می‌کوشد تا به طور مختصر به بررسی بنیادهای مشترکی که در آثار هنرهای فطری وجود دارد، بپردازد و در این باره، فارغ از دانش‌های هنری مرسوم، چگونگی تجلی فطرت پاک و بی‌پیرایه هنرمندان این حوزه

در آثارشان را مبنای مطالعه قرار دهد. در این مسیر، با جست‌وجو در نقاط نظر مورخان و صاحب‌نظرانی که در زمینه انواع هنرهای خودآموخته، آرای خود را مطرح نموده‌اند، زوایای این هنر بررسی شده است. برای نمونه «ژان دوبوفه»، نقاش و منتقد هنری، در توصیف این‌گونه آثار، آنها را خام‌دستانه می‌داند که در ضمن آن، سنت‌های هنر باختر زمین — که از نظر وی معیار هنر مقبول تلقی می‌گردد — در نظر هنرمند جایگاهی ندارد (پاکباز، ۱۳۹۰: ۶۵۴). نوربرت لینتن، تاریخ‌نگار هنر نیز قائل به تأثیرگذاری هنرهای فطری در جهت خلاصی هنر رایج و مرسوم از بند سنگین «هنر زیبا»^۱ و نهادهای متعدد تحکیم‌کننده آن است (لینتن، ۱۳۸۶: ۲۱). لینتن معتقد است تأثیرپذیری جریان هنر مدرن از هنرهای فطری، همچون بازگشت به مبانی اساسی و پایدار هنر است که به دلیل تاریخ‌باوری که از اواخر قرن هجدهم به بعد بر وجدان غربی سلطه یافت، به وجود آمده است (همان)؛ از این رو وی، قائل به اهمیت بنیان‌های اساسی موجود در این هنرهاست. فردریک هارت، نیز معتقد است که آثار روسو که پیشگام هنرهای خودآموخته در هنر غرب محسوب می‌شود، همچون خیالبافی شاعرانه رودون، عنصری مهم در پیشبرد جریان خیال‌پردازانه هنر سده بیستم است (هارت، ۱۳۸۲: ۹۵۷). هنرهای فطری از دیدگاه نظری دیگری نیز قابل مطالعه هستند، منظری که مطالعات پسااستعماری به شرق‌شناسی دارد. ادوارد سعید^۲، که نماینده برجسته این مطالعات و ویژگی‌های آن است، با تمرکز ویژه بر ادبیات شرق‌شناسی نشان داده است که جوامع غیرغربی با صفاتی نظیر عقب‌مانده و نامتمدن، بلوغ‌نیافته، خردگریز و خشن در برابر غربیان خردگرا و خیراندیش تعریف شده‌اند. تطبیق این ادبیات را می‌توان بر نمودهای بصری فرهنگ‌های استعمارشده نیز شاهد بود که هنرهای بدوی، قومی و قبیله‌ای یا فطری که محل رجوع هنرمندان غربی قرار گرفته‌اند نیز از همین منظر نگریسته شده‌اند.

در سیطره همین نگاه است که هنرمندان مدرن، آثار هنری غیرغربی را با کار کودکان یا دیوانگان مقایسه می‌کنند و این هنرمندان را افرادی

۱. طبیعی است که منظر پژوهندگان غربی در خصوص معنی و مفهوم زیبایی با دیدگاه تفکر اسلامی در خصوص امر زیبا متفاوت است.

تربیت نشده، نابالغ و غیرمنطقی برمی‌شمرند (دیویس و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۳۹) اما علی‌رغم همین طرز تلقی است که هنرمند مدرن می‌کوشد تا از خصیصه وحشی‌وش یا غیرمتمدن انسان‌های بدوی، طرفی ببریند و جنبه‌های خلاقانه هنر خود را غنا بخشند. «همان گونه که روانکاوی معاصر با هنر تجسمی پیشتاز، در فاصله میان دو جنگ جهانی، میان سه موقعیت «کودکی»، «بیماری روانی» و «بدویت» رابطه‌ای معنادار ایجاد می‌کرد، پیشگامان هنر نقاشی و مجسمه‌سازی اروپایی نیز خود را به شدت مجذوب هنر انسان‌هایی می‌پنداشتند که روسو به تبعیت از مونتینی^۱ بر آنها نام «وحشی نیک»^۲ گذاشته بود: انسان‌هایی در ظاهر تماماً هماهنگ با طبیعت و از همین‌رو تماماً خوشبخت. در نتیجه، این بدوی‌های نیکبخت در ذهن هنرمندان اروپایی، تصویری رویایی از بهشتی زمینی را ترسیم می‌کردند که از هر لحظه از زندگی خود، یک «هنر» می‌آفریند. بدین ترتیب هنر پیشتاز اروپایی قرن بیستم، سنت قدیمی همین قاره را در تمایل به اشیاء و پدیده‌های غریب یک «شرق» شگفت‌انگیز تداوم می‌بخشید. شرقی که به قول ادوارد سعید، صرفاً یک «ابداع» غربی بود» (فکوهی، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۷).

تبیین مفاهیم اساسی

برخی از اصطلاحات و مفاهیم مطرح در عرصه هنر خودآموخته، دارای جوهری گسترده با معانی گوناگون است. از این‌رو، منطبق بر رویکرد این کتاب، تبیین مفاهیمی که در خلال مباحث از آنها استفاده شده، مفید فایده است.

فطرت

«فطرت از ریشه فُطَرَ در لغت هم به معنای شکافتن است» (زبیدی، ۱۳۰۶، ج ۱۳: ۳۲۵) و هم «به معنای خلق و ایجاد و ابداع است». (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰: ۳۹۶) گذشته از معنای لغوی، تعبیر گوناگونی از فطرت

1. Montaigne

2. Bon Savage

وجود دارد که بسته به حوزه مطالعاتی آن در منطق، فلسفه و عرفان، معانی گوناگونی دارد. شهید مطهری، فطرت را این‌گونه توصیف می‌کند: «ادراکات و دانسته‌های بالقوه که در ذهن همه هستند، هرچند شاید در برخی بالفعل موجود نباشند یا خلافشان موجود باشد، و به مرور زمان بالفعل می‌شوند» (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۶، ۲۶۲). وی همچنین منظور از فطرت در عرفان را «عالم جبروت» بر می‌شمرد (همان).

فطرت، سرشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری، مشترک بین همه انسان‌ها شمرده می‌شود.

هنر

معانی بسیاری در خصوص هنر وجود دارد که بسته به جهان‌بینی تعریف‌کننده آن، متفاوت از دیگری است. تاکنون اجماع نظری در تعریف هنر حاصل نشده است اما این کلمه در معنای عام خود، معرف هر نوع فعالیتی است که خودانگیخته و مهارشده باشد و برای بیان احوال معرفتی بشر به کار رود. بر این مبنا دست‌ساخته‌های خلاقانه بشر را می‌توان آثار هنری نامید؛ اما در خصوص هنر به معنای خاص آن باید از فعالیت‌هایی چون: نقاشی، پیکره‌سازی، معماری، موسیقی، شعر، رقص، تئاتر و سینما، به عنوان هنرهای شاخص شناخته شده یاد نمود.

روش هنری^۱

اصطلاحی که به طرز تلقی زیبایی‌شناختی معینی از زندگی و جهان اشاره دارد. مفهوم روش هنری، جامع‌تر از سبک شخصی و دربرگیرنده نوع جهان‌نگری و شیوه بیان عام‌تری است. هنرمندان مختلف، با سبک‌های متفاوت ممکن است روش هنری واحدی را به کار گرفته باشند. برای مثال، «می‌توان روش هنری کلاسیسیم را به آثار میکل‌آنژ، پوسن، داوید و حتی رینلدز اطلاق کرد» (پاکباز، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

روش هنری در این کتاب به شیوه بیان هنری هنرمندان از جمله هنرمندان فطری اطلاق می‌گردد؛ روشی که در ضمن آن، افراد در آثار خود

نشان می‌دهند که تصاویر تخیلی ایشان از عالم و دنیای پیرامونشان چیست و چگونه است.

تخیل^۱

در یک تعریف عام، به توانایی‌های ذهنی و روحی در آفرینش آثار، تخیل گفته می‌شود. در عرصه هنر، قدرت تخیل به معنی آن است که انسان دارای توانمندی در ارائه صورتی از اشیاء، مفاهیم و یا موضوعات، از طریق ابداع قالبی موزون و مناسب باشد.

در این کتاب، تخیل از عناصر بسیار اساسی و مهم در ابداع آثار هنری خودآموخته محسوب می‌شود، زیرا هنرمند بیش از آنکه طبیعت بیرون را مبنای اخذ تصاویر خود از عالم نماید، در خیال خود آنها را مشاهده نموده و بازنمایی می‌کند.

هنر بومی^۲

اصطلاح هنر بَدَوی غالباً معرف هنرهای برآمده از قبایل است. هنر بومی یا هنر قبیله‌ای به خصوص در مورد هنر مردم «آفریقای سیاه» کاربرد دارد. «اصطلاحی نارسا که در گذشته برای توصیف هنر جوامع دارای تکنولوژی فروپایه رایج بود؛ و هنوز هم کمابیش به کار می‌رود. مشخصاً گونه‌های هنری مربوط به بومیان آفریقا و اقیانوسیه، و ساکنان اولیه آمریکا را شامل می‌شود.» (پاکباز، ۱۳۹۰: ۶۵۳-۶۵۴) این گونه هنری مربوط به مقطعی از تاریخ بشر است که وی در تعامل مستقیم با طبیعت می‌زیسته و اعتقادات آیینی و فرازمینی در وی به شدت قوی بوده است. به مظاهر هنر بومی در سده ۱۹ و ۲۰ در دنیای غرب بسیار توجه شد که یکی از دلایل آن، نجات از بن‌بست نظری و چالش‌های فکری پیش‌آمده در عرصه هنر غرب بود.

در این کتاب، هنر بومی معادل هنر بَدَوی و قبیله‌ای به کار می‌رود، زیرا اصطلاح هنر بَدَوی متأثر از نگاه استعمارگرانه به سنت‌ها و فرهنگ‌های جوامع استعمار یافته است.

مدرنیسم^۱

این اصطلاح به طور عام به روش‌های بیانی در عصر نو اطلاق می‌شود و در تاریخ هنر به ویژه هنرهای بصری، به مجموعه‌ای از تحولاتی گفته می‌شود که در عرصهٔ اجتماع، فرهنگ و هنر اروپا در قرن نوزدهم میلادی رخ داد. این جریان تلاشی بود که برای نجات از بن‌بست هنر آکادمیک آغاز گشته بود. در طی جریان مدرنیسم در معیارها و مفاهیم زیبایی شناختی، تحولات بنیادینی حاصل شد و اصول فنی هنر نیز دستخوش تغییرات اساسی گردید. جریان مدرنیسم در این کتاب از آن رو مطمح نظر است که بستری را فراهم آورد تا به هنرمندان خودآموخته‌ای که بر مبنای ادراکات ذوقی خود از جهان پیرامونشان نقاشی می‌کردند توجه شود. حاصل این توجه، اخذ مبانی هنری موجود در این شیوهٔ هنری گردید که بر آثار برخی هنرمندان تأثیرات جدی داشته است.

هنر خام^۲

هنر خام اصطلاحی فرانسوی است که توسط ژان دوبوفه در توصیف آثار خامدستانه به کار رفته است. «در چنین رویکردی به هنر، سنت‌های هنر باختر زمین مردود شمرده شد و نوعی زبان تصویری سراسر است – قابل مقایسه با هنر بدوی، هنر کودکان، و هنر افراد روان‌پریش – مورد قبول قرار گرفت» (پاکباز، ۱۳۹۰: ۶۵۴).

هنر خام در این کتاب از آن رو مورد توجه قرار می‌گیرد که گرچه به نحوی در زمرهٔ هنرهای فطری قرار می‌گیرد، اما تفاوت‌های موجود میان هنر هنرمندان خودآموخته هنر روان‌پریشان و زندانیان ایجاب می‌کند تا حدود و ثغور هنر خام تعریف شده و تمایزات موجود، بیان گردد.

هنر فطری^۳

هنر فطری هنری برآمده از سرشت پاک و نیالودهٔ انسانی است که مبانی آن در میان همهٔ انسان‌ها، صرف‌نظر از نژاد و ملیت و مذهب، مشترک است.

1. Modernism

2. Brut Art

3. Naive Art

اصطلاح هنر فطری، در این کتاب، مترادف با هنر نائیو به کار می‌رود و هنر هنرمندانی را از ابتدای تاریخ تا دوران معاصر شامل می‌گردد. هنرمندان این گونه از هنر، با رجوع به جلوه‌های هنری فطرت خویش، آثاری را رقم می‌زنند که از موازین منطبق بر آموزش‌های هنری شناخته شده، فاصله دارد. عدم تقید آثار هنری فطری به قواعد و اصول معمول و رایج در تعاریف رسمی از هنر، این امکان را فراهم می‌آورد تا هنرمندان خودآموخته، بی‌پرده از خیالات درونی خود سخن بگویند و احوال درونی خود را بی‌ریا و ساده بازگو کند. این نوع هنر، وجوه مشترک بسیاری با هنر کودکان دارد که آن را نیز می‌توان از هنرهای ناب فطری دانست که برخاسته از فطرت پیراسته آنهاست.

خودآموخته^۱

صفت «خودآموخته» به افرادی اطلاق می‌گردد که تبحر ایشان در یک هنر، فن یا حرفه، به واسطه آموزش پدید نیامده باشد. در این کتاب، هنرمندان فطری، بدون استثنا خودآموخته هستند و هرگز تحت تعلیم هیچ نوع آموزش هنری، قرار نداشته‌اند.

پیشینه مطالعات در زمینه هنر خودآموخته

پس از سده نوزدهم و در پی اقبال هنرمندان به هنرهای فطری، کتاب‌هایی در معرفی برخی هنرمندان این حوزه و یا موزه‌های مربوط به آنها نگاشته شد. این منابع بیش از هر چیز بر توصیف و معرفی هنرمندان و آثار آنها تمرکز یافته است و در برخی موارد نیز، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر هنر مدرن را از میان آثار هنرهای فطری جست‌وجو می‌کند.

هنر نائیو^۲ (۲۰۱۱)

ناتالیا برود اسکایا^۳ تاریخ‌نگار موزه ارمیتاژ در سن‌پترزبورگ است که در تألیفات خود، به طور مشخص، به مطالعه آثار نقاشان پست‌امپرسیونیست، آثار فوویست و جنبش نبی را مد نظر قرار داده است.

1. Autodidact, Untaught

2. Naive Art

3. Natalia Brodskaya

نویسنده در این کتاب بیان می‌دارد که هنر خودآموخته تا مدت‌ها معادل هنر پریمیتیو یا حتی عقب‌افتادگان دانسته می‌شد؛ اما اکنون هنرهای خودآموخته به نگرش نابی که به جهان دارند شناخته می‌شوند. برود اسکایا سه ویژگی مهم را درباره آثار هنر خودآموخته بیان نموده که عبارتند از: طراحی بسیار دقیق اجزاء، تکنیک و روش اجرای ساده و رنگ‌های روشن.

هنر اوتسایدر^۱ (۲۰۰۰)

کالین رودس^۲، نویسنده این کتاب، هنر اوتسایدر را — که از منظر راجر کاردینال^۳ منتقد انگلیسی در ۱۹۷۲، معادل هنر خام^۴ فرض شد، گرچه هنر خودآموخته را نیز در دایره خود جای داد — در جریان اصلی هنر مدرن بررسی نموده است. نویسنده، این هنر را هنر خودآموختگان، خیال‌پردازان و تعلیم نیافتگان، اشخاص نامتعارف و منزوی، مجرمان و متعلق به هنرمندان مردمی می‌داند که در حاشیه جامعه و بازار هنری قرار گرفته‌اند و از استانداردهای رایج هنری بی‌بهره مانده‌اند؛ هنرهایی که نخست توسط ژان دوبوفه و سوررئالیست‌ها مورد توجه واقع شد و اکنون اقبال عمومی گسترده‌ای به آنها وجود دارد. این کتاب بر آن است تا برای نیل به بصیرت درونی موجود در این گونه هنری، به شناخت دو چهره اصلی و تازه کشف شده این گروه از هنرمندان بپردازد: مگ ژیل^۵ و آدولف ولفی^۶.

کتاب مرجع هنر اوتسایدر^۷ (۲۰۰۹)

جان مایزلز^۸ در این کتاب اظهار می‌دارد که هنر اوتسایدر یا هنر عامیانه^۹ در طول دو دهه گذشته مورد توجه جدی‌تری قرار گرفته‌اند به نحوی که می‌توان آنها را چهره پنهان هنر معاصر برشمرد. هنرهایی که پیش از این

1. *Outsider Art*

2. Colin Rhodes

3. Roger Cardinal

4. Raw Art

5. Madge Gill

6. Adolf Wolfli

7. *Outsider Art Source book*

8. John Maizels

9. Folk Art